

١ - عَيْنُ الْمَفْعُولِ مِضَافًا وَمَوْصُوفًا مَعًا:

١٣٩٨ - ٤٣٦٣٤٩ - م - متوسط - قلم چي - ١٣٩٨

١ يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدَ أَشْجَارِ الثُّفَاحِ! ٢ مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ! ٣ تَقْرَأُ بِنْتِي الْمَجْتَهِدَةَ الْكُتُبَ الْمَفِيدَةَ مَرَّاتٍ! ٤ سَشْتَرِي مَلَابِسَنَا الْخَرِيفِيَّةَ مِنْ سَوْقِ طَهْرَانِ!

١٣٩٨ - ٤١٠١٦٢ - م - متوسط - قلم چي - ١٣٩٨

٢ - « ، خَيْرٌ طَرِيقٍ لِلْوَصُولِ إِلَى السَّعَادَةِ! » عَيْنٌ غَيْرُ الْمُنَاسِبِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاعِينَ:

١ وُلِدِي وَزَمَلَاءَهُ - تَعَلَّمُوا ٢ أُخْتِي وَزَمِيلَتُهَا - تَعَلَّمَا ٣ يَا أَوْلَادَ - تَعَلَّمُوا ٤ يَا أُخْتَانِ - تَعَلَّمَا

١٣٩٨ - ٤٠٦٤٥٨ - م - سخت - قلم چي - ١٣٩٨

٣ - عَيْنُ الْإِصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«أَخْبَرْنَا مَوْظَفٌ بِمَا وَقَعَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ فَاسْرَعْنَا نَحْوَ الْمَطَارِ جَمِيعًا!»:

- ١ به کارمندی از آن چه در سالن فرودگاه رخ داد، خبر دادیم، پس همه به سوی فرودگاه شتافتیم!
٢ کارمندی ما را از آن چه در سالن فرودگاه اتفاق افتاد، باخبر ساخت، پس همگی به سوی فرودگاه شتافتیم!
٣ به کارمندی از آن چه در فرودگاه رخ داد، خبر دادیم و همگی به سوی سالن فرودگاه شتابان رفتیم!
٤ یکی از کارمندان ما را از آن چه در سالن فرودگاه اتفاق افتاد، باخبر کرد، پس همه به سمت فرودگاه شتافتیم!

١٣٩٦ - ٢٠٧٤٨٧ - م - متوسط - منتا - ١٣٩٦

٤ - عَيْنُ الْخَطَأِ فِي تَعْيِينِ الْفَاعِلِ:

١ الزُّجَاجَاتُ حِينَ لَعِبِ التَّلَامِيذِ انْكَسَرَتْ ← «ت» ضمير بارز ٢ اجتمع في الصفِّ الطالبون ← «الطالبون» اسم ظاهر
٣ تعلمنا القرآن في المسجد ← «نا» ضمير بارز ٤ لا تسجدوا إلا لربنا ← «نحن» مستتر

١٣٩٨ - ٤٠٦٥١٨ - م - متوسط - قلم چي - ١٣٩٨

٥ - عَيْنُ الْعَدَدِ التَّرْتِيبِيِّ:

١ حضر جميع التلاميذ في صفين اثنين في الصباح! ٢ رسمت على اللوح صوراً من أربع عشرة مدينة!
٣ ما رأيت عند اللعب إلا امرأة واحدة! ٤ ركبت تلاميذنا الحافلة الاولى يوم أمس!

١٣٩٩ - ٥٠٤٠٧٥ - م - سخت - قلم چي - ١٣٩٩

٦ - عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ بَابِ الْفِعْلِ:

١ تَخَرَّجْنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ ثَلَاثَ سَنَوَاتٍ مَاضِيَةً! (من باب تَفَعَّلَ) ٢ استلموا رسائل الأستاذ عبر الإنترنت غداً! (من باب افْتَعَالَ)
٣ استمعني إلى كلام المعلمة في الصف جيداً! (من باب اسْتَفْعَالَ) ٤ يتعين جواب التمارين في الصف فقط! (من باب تَفَعَّلَ)

١٣٩٨ - ٤٢٨٣٦٥ - م - متوسط - قلم چي - ١٣٩٨

٧ - فِي أَيِّ جَوَابٍ جَاءَ الْفِعْلُ فِي بَابِ التَّفْعِيلِ؟

١ التلاميذ في مدرستنا يتكلمون بالفتن. ٢ أنتن تغيرن مكان هذه الأشياء بسرعة. ٣ تبسمت الطالبة لأمرها العجوز. ٤ أتساعدن المحتاجين بعض الأيام؟

٨ - فَاطِمَةُ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمرِهَا وَ هِيَ أَصْغَرُ مِنْ أُخِيهَا الْحَسِينِ ثَلَاثَ سَنَوَاتٍ، فَبَعْدَ أَرْبَعِ سَنَوَاتٍ مَجْمُوعُ عُمرِهُمَا كَمْ سَنَةً؟! ٤٨٠٧٨٩ - م - متوسط - قلم چي - ١٣٩٩

١ واحدة وأربعون ٢ ثلاث وأربعون ٣ سبع وثلاثون ٤ أربع وخمسون

** اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ:

كَلِمَ سَلِيمَانَ (ع) نَمَلَةً، فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَأْكَلِينَ فِي السَّنَةِ؟ قَالَتْ: ثَلَاثَ حَيَّاتٍ. فَأَخَذَهَا وَجَعَلَهَا فِي عُلبَةٍ (جعبه) وَوَضَعَ لَهَا الْحَبَّاتِ. وَبَعْدَ سَنَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا فَوَجَدَهَا قَدْ أَكَلَتْ حَبَّةً وَ نَصَفَ فَقَطٍ: فَسَأَلَهَا: أَمَا أَكَلْتِ كَلِمًا؟ أَجَابَتْ: أَنْتَ ابْنُ آدَمَ فَخِضْتُ (ترسيدم) أَنْ تَسْأَنِي وَأَهْلِكَ دُونَ طَعَامٍ، لِذَلِكَ جَعَلْتُ نِصْفَ طَعَامِي ذَخِيرَةً لِسَنَةِ أُخْرَى. وَ فِي النَّهَايَةِ صَدَّقَ سَلِيمَانَ (ع) كَلَامَ النَّمَلَةِ مُتَعَجِّبًا مِنْ عَمَلِهَا هَذَا!

١٣٩٦ - ٢٢٤٥٨٦ - م - متوسط - قلم چي - ١٣٩٦

٩ - مَا هُوَ قِصْدُ سَلِيمَانَ (ع) مِنْ حَبْسِ النَّمَلَةِ؟

١٣٩٦ - ٢٢٤٥٨٨ - م - متوسط - قلم چي - ١٣٩٦

١ التشجيع ٢ الملامة ٣ التجريب ٤ الاحتفاظ

١٣٩٦ - ٢٢٤٥٨٧ - م - متوسط - قلم چي - ١٣٩٦

١٠ - عَيْنُ الصَّحِيحِ:

١ مَا فَهَمَتِ النَّمَلَةُ كَلَامَ سَلِيمَانَ (ع)! ٢ غَفَلَ سَلِيمَانَ (ع) عَنِ النَّمَلَةِ بَعْدَ الْحَبْسِ! ٣ مَا رَجَعَ سَلِيمَانَ (ع) إِلَى النَّمَلَةِ بَعْدَ سَنَةٍ! ٤ عَلَى حَسَبِ رَأْيِ النَّمَلَةِ ابْنُ آدَمَ يُنْسَى!

۱۱ - عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِيَّةِ كَلِمَاتٍ تَحْتَهَا خَطٌ! : «و فِي النَّهَائِيَةِ صَدَّقَ سَلِيمَانُ (ع) كَلَامَ التَّمَلَّةِ مُتَعَجِّبًا مِنْ عَمَلِهَا هَذَا!»

۱۳۹۶ - م - متوسط - قلم چی - #۲۴۴۵۸۹

- ۱ صَدَّقَ: فعل ماضٍ (مصدره: تصديق) - للغائب
 ۲ مُتَعَجِّبًا: اسم مفعول (مصدره: تعجب) - مفرد مؤنث
 ۳ هَذَا: اسم إشارة للبعيد - مفرد مذكر
 ۴ مِنْ: اسم استفهام

۱۳۹۹ - م - متوسط - قلم چی - #۵۵۵۲۹۰

۱۲ - عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱ «كَانَ الطِّفْلُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُحَرِّكَ يَدَهُ فِي الْمَسْتَوْصَفِ!» : كودک نمی تواند در بیمارستان دستش را تکان دهد!
 ۲ «لَا تَعْبُرُوا ظِلَامَ اللَّيْلِ مِنَ الشَّارِعِ بِاللُّبَاسِ الْأَسْوَدِ!» : در تاریکی شب از خیابان با لباس مشکی عبور نکنید!
 ۳ «التَّقَطُّ زَمَلَاتِي صُورًا جَمِيلَةً مِنَ الْمَنَاطِرِ الطَّبِيعِيَّةِ فِي سَفَرَتِنَا الْعِلْمِيَّةِ!» : هم‌شاگردی‌هایم در گردش علمی عکس‌های زیبایی از منظره‌های طبیعت انداخته‌اند!
 ۴ «ضَرَبَ الْمَدْرَسُ لَنَا أَمثَالَ حَوْلَ حَوْلِ دَرَسِ الْكِيمِيَاءِ فِي الْمَخْتَبَرِ!» : معلم مثال‌هایی پیرامون درس شیمی در آزمایشگاه زد!

۱۳۹۸ - م - متوسط - قلم چی - #۴۳۶۳۷۰

۱۳ - عَيْنَ الْخَطَا:

- ۱ «اسْتَعَانَ الرَّجُلُ الْمَصْدُومَ بِالْمَرَضِ فِي الْمُسْتَشْفَى» : مرد آسیب‌دیده از پرستار در بیمارستان یاری خواست.
 ۲ «لَا تَتَحَرَّكِ السَّيَّارَةُ دُونَ الْبَطَّارِيَّةِ وَالْكَهْرِبَاءِ» : بدون باتری و برق خودرو را حرکت نده!
 ۳ «اسْتَفِدْ مِنْ هَذِهِ الْأَدْوِيَةِ حَتَّى يَلْتَمَّ جُرْحُكَ!» : از این داروها استفاده کن تا زخم ت بهبود یابد!
 ۴ «سَلِّتِنْتَ صُورًا مِنْ تَلْكَ الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ فِي سَفَرَتِنَا الْعِلْمِيَّةِ.» : عکس‌هایی از آن منظره‌های زیبا در سفر علمی‌مان خواهیم گرفت.

۱۳۹۸ - م - متوسط - منّا - #۴۳۲۴۳۱

۱۴ - عَيْنَ الصَّحِيحِ: هُنَاكَ غُدَّةٌ فِي لِسَانِ الْقِطِّ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا لِذَلِكَ يَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ.

- ۱ غده‌هایی در زبان گربه وجود دارد که مایع پاک‌کننده ترشح می‌کنند، پس گربه زخم‌هایش را لیس می‌زند.
 ۲ غده‌هایی در زبان گربه هست که مایع پاک‌کننده‌ای ترشح می‌کند؛ بنابراین گربه زخم‌ش را می‌لیسد.
 ۳ غده‌های زبان گربه مایع پاک‌کننده‌ای ترشح می‌کنند که گربه با آن زخم‌هایش را می‌لیسد.
 ۴ غده‌هایی در زبان گربه‌ها وجود دارد که مایع ضد عفونی کننده تولید می‌کند که گربه با آن زخم‌ش را می‌لیسد.

۱۵ - عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«فِي الصَّفِّ الْخَامِسِ كِتَابًا نَسْتَطِيعُ فِي الْحِصَّةِ الرَّابِعَةِ أَنْ نَسْأَلَ أَسَاتِذَنَا سُؤَالَاتِنَا الدَّرَاسِيَّةَ مِنَ الدَّرْسِ الْخَامِسِ!» : در کلاس پنجم

۱۳۹۹ - م - متوسط - قلم چی - #۵۵۳۵۲۶

- ۱ ما می‌توانستیم در چهار زنگ سؤالات درسی‌مان را از درس پنجم از استادمان بپرسیم!
 ۲ می‌توانستیم در زنگ چهارم سؤالات درسی‌مان را از درس پنجم از استادمان بپرسیم!
 ۳ می‌توانستیم در چهار زنگ سؤالات درسی‌مان را از پنج درس از استادانمان بپرسیم!
 ۴ ما می‌توانستیم در زنگ چهارم سؤال درسی‌مان را از درس پنجم از استاد خودمان بپرسیم!

پاسخنامه تشریحی

۱ - گزینه ۴ «ملايس» مفعول است که هم مضاف برای ضمير «نا» و هم موصوف برای «الخريفية» می باشد. بررسی گزینه های دیگر:

گزینه ۱: «أشجار» مفعولی است که فقط مضاف است. (مضاف إليه آن «التُّحاح» می باشد.)

گزینه ۲: «شيتاً» مفعولی است که فقط موصوف است. (صفت آن «أفضل» می باشد.)

گزینه ۳: «بنت» فاعل است که هم مضاف و هم موصوف می باشد؛ «الكتب» مفعول است ولی فقط موصوف است، مضاف نیست.

۲ - گزینه ۲ «أختي و زميلتها» (خواهرم و هم کلاسی اش) بر مثنای مؤنث دلالت دارد، پس فعل مناسب برای آن، «تعلّمتا» است.

۳ - گزینه ۲ «أخبرنا» ما را با خبر کرد (رد گزینه های ۱ و ۳) / «موظّف» کارمندی (رد گزینه های ۳ و ۴) / «وَقَعَ» اتفاق افتاد، رخ داد / «قَاعَةُ الْمَطَارِ» سالن فرودگاه / «أَسْرَعْنَا» شتافتیم / «جَمِيعاً» همگی

أَخْبَرْنَا: خبر کرد ما را / وَ أَسْرَعْنَا: شتافتیم

نکته: هرگاه قبل از ضمير «نا» متحرک باشد فعل مفرد است و نا مفعول می باشد و هرگاه قبل از ضمير «نا» در فعل ماضی ساکن باشد، «نا» ضمير فاعلی بوده و همراه فعل ترجمه می شود.

۴ - گزینه ۱ زیرا «ت» در صیغی «۴» ماضی فقط علامت تأنث است و ضمير فاعلی محسوب نمی شود.

۵ - گزینه ۴ «الاولي» عدد ترتیبی است.

بررسی سایر گزینه ها:

در سایر گزینه ها: «اثنين»، أربع عشرة و واحدة» همگی عدد اصلی هستند.

۶ - گزینه ۳ «استمعی» فعل امر بر وزن افتعال است از ریشه «س م ع» و در کل پنج حرف دارد؛ ولی فعل های باب استفعال شش حرفی اند!

۷ - گزینه ۲ «تُغَيِّرَنَّ» فعل مضارع جمع مؤنث مخاطب از باب تفعیل است.

حرف اضافه در باب تفعیل «تشديد» است که بر روی عين الفعل می آید.

۸ - گزینه ۱ فاطمه ۱۵ ساله است و برادرش حسين ۱۸ ساله که بعد از چهارسال فاطمه ۱۹ ساله است و برادرش ۲۲ ساله، لذا مجموع سن آن دو، برابر با ۴۱ سال است.

سلیمان (ع) با مورچه ای صحبت کرد، به او گفت: در سال چقدر می خوری؟ گفت: سه دانه. پس او را گرفت و در جعبه ای قرار داد و برایش دانه ها گذاشت. بعد از یک سال به او نگاه کرد؛ او را دید در حالی که یک دانه و نصفی خورده است؛ از او پرسید: آیا همه ی آن ها را نخورده ای؟ جواب داد: تو آدمی زاده هستی، در نتیجه ترسیدم مرا از یاد ببری و بدون غذا بمیرم، برای همین نیمی از غذایم را برای یک سال دیگر پس انداز کردم. در نهایت سلیمان (ع) سخن مورچه را با تعجب از این کارش، باور کرد!

۹ - گزینه ۳ قصد سلیمان از زندانی کردن مورچه آزمایش کردن او بوده است.

۱۰ - گزینه ۴ «طبق نظر مورچه، فرزند آدم (آدمی زاد) فراموش کار است».

۱۱ - گزینه ۱ بررسی سایر گزینه ها:

(۲) اسم فاعل، مفرد مذکر (۳) للقریب (۴) حرف جرّ

۱۲ - گزینه ۲ تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ۱: «نمی تواند» - «نمی توانست» / بیمارستان - «درمانگاه»

گزینه ۳: «گردش علمی» - «گردش علمی ما» / منظره های طبیعت - «منظره های طبیعی»

گزینه ۴: «لنا» ترجمه نشده است. (برای ما ... زد.)

۱۳ - گزینه ۲ شکل صحیح ماشین بدون باطری و برق حرکت نمی کند.

۱۴ - گزینه ۲ تصحیح ترجمه های دیگر:

(۱) لذلک (بنابراین) پس ترجمه شده است.

(۳) غده هایی در زبان گربه وجود دارد / بنابراین

(۴) در زبان گربه

۱۵ - گزینه ۲ «كُنَّا نستطيع»: می توانستیم (ماضی استمراری) // «في الحصة الرابعة»: در زنگ چهارم / «أن نسأل»: که بپرسیم / «سؤالنا الدراسية»: سؤالات درسی مان / «من الدرس الخامس»: از درس پنجم / «أستاذنا»: استادمان

پاسخنامه کلیدی

۱ - ۴

۴ - ۱

۷ - ۲

۱۰ - ۴

۱۳ - ۲

۲ - ۲

۵ - ۴

۸ - ۱

۱۱ - ۱

۱۴ - ۲

۳ - ۲

۶ - ۳

۹ - ۳

۱۲ - ۲

۱۵ - ۲